

# خاموشی ابدی مارکوس ولف

## مردی بزرگ، در پشت پرده صلح و سوسیالیسم

مردی که حتی دشمنانش در سرویس های امنیتی غرب به استعدادها و توانائی های شگرفش اعتراف داشتند و او را بدون صورت می نامیدند، در سن 83 سالگی در برلین در گذشت. "مارکوس ولف" در 19 ژانویه 1923 در استان "بادن ورتن برگ" در حوالی اشتوتگارت در یک خانواده یهودی پدینیا آمد. پدرش پزشک، نویسنده و عضو حزب کمونیست آلمان بود. خانواده ولف در سال 1933 بعد از استقرار نازیسم در آلمان ابتدا راهی فرانسه و بعد از یکسال بخاطر عدم تابعیت در فرانسه راهی مسکو شدند. مارکوس که او را در مسکو "میشا" می نامیدند همراه با برادر کوچک خود "کونراد" که بعدها کارگردانی نامی در آلمان دمکراتیک شد، در مدرسه آلمانی زبان "کارل لیگنشت" و یک مدرسه روسی تحصیل کرد. رشته مورد علاقه میشا در آن زمان مهندسی طراحی هواپیما بود اما شروع جنگ علیه روسیه در سال 1941 سرنوشت او و برادرش را به گونه ای دیگر رقم زد. میشا مجبور به ترک تحصیل شد و کونراد وارد ارتش سرخ شد. در حمله آلمان نازی دوش به دوش رفقای روس خود علیه آلمان نازیسم شرکت کرد. او در آن زمان 19 ساله بود و بعدا اولین فیلم خود را که مربوط به دوران جوانی و شرکت او در حمله به برلین است تحت "من 19 ساله بودم" را ساخت. فیلم دیگر او بنام "گویا" که زندگی "فرانسچیسکا گویا" نقاش اسپانیائی است در سال 1360 در ایران به نمایش در آمد.

میشا نیز وارد ارتش سرخ شد و از آنجا که استعداد نویسندگی را از پدر به ارث برده بود، بعد از پایان جنگ به حرفه روزنامه نگاری روی آورد. او در حالی که هنوز اونیفورم نظامی روسی خود را به تن داشت بعنوان خبرنگار در جریان محاکمه سران نازی در 218 جلسه دادگاه نورنبرگ شرکت کرد و گزارشاتی در باره وقایع این دادگاه به جهان مخابره کرد. او سپس بعنوان مفسر در رادیو برلین مشغول کار شد. بعد از تاسیس آلمان دمکراتیک در سال 1949 بعنوان دیپلمات در مسکو در سفارت آلمان دمکراتیک مشغول کار شد. کار با کمونیست های با تجربه در دوران جنگ و شرکت در جنگ های مخفی و تجارب سرشاری که خود او بعنوان پارتیزان در طول جنگ کسب کرده بود، او را در 29 سالگی، در سال 1952 در راس یکی از پر قدرت ترین سرویس های امنیتی اردوگاه شرق قرار داد. مارکوس ولف زمانی کار خود را بعنوان سرپرست سرویس های امنیتی در شعبه خارجی آلمان دمکراتیک آغاز کرد که جهان وارد جنگ سرد شده بود و حفظ صلح و خنثی کردن عملیات خصمانه نه تنها علیه آلمان دمکراتیک بلکه تمام کشورهای سوسیالیستی از سوی تمام کشورهای غربی و امریکا در دستور روز بود. به همین دلیل مسئولیتی که حزب کمونیست آلمان دمکراتیک در جریان کار به او واگذار کرد به این خلاصه می شود که مجموعه مراکز تصمیم گیری دشمن باید چنان دقیق تحت کنترل گرفته شود که امکان هرگونه تهاجم علیه آلمان دمکراتیک و دیگر کشورهای سوسیالیستی در همان ابتدای کار خنثی و افشا شود و این کاری بود که ولف بیش از 30 سال آن را با مهارت انجام داد. ولف موفق شد با بیش از 4 هزار همکار خود در مراکز مهم تصمیم گیری آلمان فدرال، در سرویس های امنیتی و محافل بالای سیاسی و نظامی و حتی دفتر صدراعظمی آلمان فدرال نفوذ کند. حتی ناتو و نیروهای نظامی امریکا نیز نتوانستند از زیر چتر او خارج بمانند. اگر آلمان دمکراتیک موفق شد به

مدت نیم قرن صلح را در قاره اروپا حفظ کند، بیش از همه خود را مدیون سرویس های امنیتی شرق و بویژه آلمان دمکراتیک و مارکوس ولف می داند. روزنامه اورشلیم پست از ولف بعنوان موفق ترین مرد امنیتی جهان نام برد. روزنامه دی ولت چاپ آلمان از او بعنوان کسی یاد کرد که موفق شد تا آخرین لحظات زندگی مهر سکوت را در باره همکاران و اطلاعات خود بر لب نگهدارد. دی ولت همچنین نوشت که او را اسناد برجسته ضد اطلاعات تا لحظه پایان زندگی می داند.

در این مورد می توان با روزنامه دی ولت موافق بود. زیرا در زمانی که در محافل ویژه ای انتظار اطلاعات ویژه ای از او داشتند، او کتاب رمز آشپزخانه روسی را منتشر کرد. ولف قدی بلند، ظاهری آراسته و شخصیتی به غایت فروتن داشت. همکاران نزدیک او از ولف بعنوان کسی که هرگز برافروخته نشد و همواره متین و خونسرد بود یاد کردند. او به همکاران خود اطمینان داشت و هرگونه پیشداوری منفی نسبت به همکاران را بشدت رد می کرد. او همواره کمونیست ماند، اما توصیه او به همکارانش پیوسته این بود: همکاران خود را از میان افرادی بیابند که به امر مهم صلح پایبند باشند. تمام رمز موفقیت او را باید در همین رمز ساده جستجو کرد.

ولف هرگز نقش خود را برجسته نکرد. با آنکه دوست و حتی دشمن از هر جهت به او احترام می گذاشتند، او کار خود را محصول کار گروهی می نامید و هرگز حاضر به برجسته کردن نقش خود نشد. یکی از همکاران او چند روز قبل از مرگ ولف از او علت موفقیتش را پرسید. ولف به او گفت: موفقیت محصول کار فردی نبود، بلکه محصول کار جمعی بود. همین همکار در باره او می گوید: دانش وسیع سیاسی، قدرت تشخیص و درک او از افراد و موقعیت ها و همچنین مدارس آموزشی - خصوصا کمینترن- که از آنها بخوبی بهره گرفته بود در موفقیت او بسیار موثر بودند.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و ادغام جمهوری دمکراتیک آلمان در آلمان فدرال، ولف سفر کوتاهی به مسکو کرد. پس از بازگشت، بازداشت و در دادگاهی به شش سال زندان محکوم شد، اما حکم دادگاه بخاطر اعتراضات بین المللی به دو سال زندانی تعلیقی تخفیف یافت. معاون او "ورنرگروس مان" در باره ولف می گوید: حفظ صلح، بنا و امنیت سوسیالیستی در خاک آلمان از خدمات فراموش نشدنی اوست. شخصیت او بعنوان انسانی شریف و مبارز برای پیشرفت اجتماعی و صلح، با وجود همه احجافات ناجوانمردانه ای که علیه او و همکارانش در جریان است همواره جاوید خواهد ماند. روزنامه چپ گرای یونگه ولت نیز در باره او نوشت: ولف در طول زندگی خود، فردی فراتر از مردی بدون چهره بود.